

عنوان مقاله:

سیری بر اندیشه های مکاتب اقتصاد سیاسی بین الملل

محل انتشار:

هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

میلاذ حاجی بلند - دانشجوی دکتری تخصصی اقتصاد بخش عمومی دانشگاه تبریز

حسین دمشقی - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز

راحله فتحی دیزناب - کارشناسی ارشد اقتصاد تجارت الکترونیک دانشگاه تبریز

خلاصه مقاله:

اقتصاد سیاسی بین الملل به دلیل داشتن ابعاد مختلف علمی، کاربردی و نظری دارای مکاتب متنوعی می باشد. به دلیل این تنوع بدیع؛ اگر اندیشمندان این حوزه بتوانند هماهنگی لازم را بین ابعاد مختلف ایجاد نمایند، یک نقطه ی قوت بیبدیل را برای اقتصاد سیاسی بین الملل رقم خواهند زد. در این مقاله به تحلیل دیدگاه های مرکانتیلیسم ها، فیزیوکرات ها، نئولیبرال ها و نئومارکسیست ها به صورت تطبیقی پرداخته میشود. مرکانتیلیسم شیوه ای است که برای حداکثرسازی صادرات و حداقل کردن واردات در یک اقتصاد طراحی شده است. از نظر فیزیوکرات ها؛ هدف این است که نظام های تکوینی به وجود آمده توسط انسان، بر نظام های طبیعی منطبق گردند و طبعاً نظام های اقتصادی ساخته دست بشر نیز باید مانند نظام های طبیعی طوری ساخته شوند که نیازی به دخالت دولت نداشته باشند. براساس دیدگاه نئولیبرال، اقتصاد براساس سازوکارهای بازار و اصول لیبرالیسم و با اتکا به پیشرفت های تکنولوژیک، نشئت گرفته از رقابت و نوآوری در بازار آزاد، در حال تبدیل شدن به یک اقتصاد جهانی است. نکته مهم دیدگاه نئولیبرالیسم این است که جهانی شدن اقتصاد، باعث بهبود و افزایش رفاه در سراسر جهان از جمله در کشورهای فقیر خواهد شد. نئومارکسیست ها در مقابل، این ایده را مطرح کردند که ساختار حاکم بر اقتصاد بین الملل؛ به گونه ای بوده که در آن امکان توسعه برای کشورهای توسعه نیافته وجود ندارد.

کلمات کلیدی:

اقتصاد جهانی، لیبرالیسم اقتصادی، نئولیبرالیسم، مارکسیسم، نئومارکسیسم، فیزیوکراسی، مرکانتیلیسم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1832610>

